رندان پارسا

افراسیاب پور، علی اکبر

در دیوان حافظ،عباراتی متناقض‏نما دیده می‏شود که شارحان‏ با دیدگاهی ادبی و لغت‏شناسانه به سراغ آن‏ها رفته و تفسیرهای‏ مناسبی نیز ارائه داده‏اند.نگارنده با نگاهی عرفانی به ترسیم‏ دیدگاهی می‏پردازد که همه‏ی این عبارات حافظ را دربرمی‏گیرد و به تفسیری شایسته‏تر می‏انجامد.یکی از این عبارات«رند پارسا» است،می‏گوید:«ساقی بده بشارت رندان پارسا را»؛رند و پارسا معنایی مخالف هم دارند و قابل جمع نیستند،امّا حافظ در چنین‏ مواردی به جمع مخالف‏ها پرداخته است.این متناقض‏نمایی چه‏ تفسیری دارد؟

استیس می‏گوید:«من بر این عقیده‏ام که متناقض‏نمای‏ Oaradoxicality (-منطق‏ناپذیری)،یکی از ویژگی‏های کلی انواع‏ مکاتب عرفانی‏ست.البته این متناقض‏نمایی اساسی در همه‏ی‏ فلسفه‏هایی که تعبیر و تفسیر به اصطلاح«سطح بالایی»از عرفان‏ به دست می‏دهند نیز منعکس است...آن‏چه در شطحیه‏ی وحدت‏ وجود و در واقع در همه‏ی شطحیات عرفانی مطرح است،اندیشه‏ی‏ «وحدت ضدین»یا«یکسانی در نایکسانی»است.(عرفان و فلسفه، ص 219).این مطلب در عرفان شرق و غرب دیده می‏شود و بویژه در اوپانیشادها پیگیری شده،چنان‏که هاینریش تسیمر نوشته:«راز مایا در وحدت ضدّین است.»(اساطیر و نمادها،ص 46).در عرفان ایرانی و اسلامی نیز این مطلب قابل پیگیری‏ست که حافظ یکی از جلوه‏های‏ آن به شمار می‏آید.

ویلیام چیتیک می‏گوید:«حق ملتقای امور متضادی‏ست و کاملا و مطلقا واجد تمامی صفات واقعی.»(عوالم خیال،ص 195).در جای‏ دیگری نیز از این دیالکتیک و پارادوکس در عرفان سخن می‏گوید و همه‏ی اشیا و موجودات را هم حجاب خدا می‏داند هم وجه خدا. می‏گوید:«دیالکتیکی که در تعالیم صوفیه القا می‏شود،یعنی اثبات و نفی،فریاد مستانه و احتیاط صحوی،دریدن حجاب‏ها و آویختن‏ حجاب‏های بیش‏تر،بیان کردن آن‏چه که بیان‏ناپذیر است.این‏ها همه،وجه ظاهرشونده در حجاب‏ها هستند.»(درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی،ص 208).

آگاهی از این متناقض‏نمای به تنهایی کفایت نمی‏کند و نیاز به‏ تفسیری جامع دارد که بتواند چنین ادعاهایی را توجیه و قابل درک‏ نماید.کوشش‏هایی نیز در توجیه آن‏ها صورت گرفته است.به عنوان‏ نمونه علی رضا ذکاوتی نوشته:«بعضی تصور کرده‏اند«رند پارسا» تعبیری‏ست شبیه«کوسه‏ی ریش‏پهن»،امّا این اشتباه است،زیرا رند در عین آن‏که مقررات را قبول ندارد ممکن است به لحاظ بی‏اعتنایی‏اش به تعلقات کاملا پارسا بوده و حافظ تعمدا این عبارت‏ متناقض‏نما را به کار برده است و نظیر هم دارد:

با آن‏که از وی غایبم و ز می‏چو حافظ تائبم‏ در مجلس روحانیان گه‏گاه جامی می‏زنم‏ حافظم در مجلسی،دردی کشم در محفلی‏ بنگر این شوخی که چون با خلق صنعت می‏کنم»

(عرفانیات،ص 183)

به نظر نگارنده،ریشه‏ی این بحث به ماجرای تعارض ظاهری‏ عقل و عشق بر می‏گردد و جلوه‏یی دیگر از مخالفت بسیاری از عرفا با فلسفه و عقل جزیی‏ست که در عرفان ایرانی شواهد فراوان دارد.

برای ارائه‏ی تفسیر مناسب در این مورد،از دیدگاه مکتب جمال‏ در عرفان ایرانی و اسلامی استفاده کرده و می‏گوییم که عقل و عشق در مراحل پایین باهم تعارض دارند و در نهایت به اتحاد می‏رسند و منظور از«رند پارسا»همان پیروان زیبایی‏پرستی در عرفان است.

ابراهیمی دینانی می‏نویسد:«ممکن است عشق و عقل از یک‏دیگر فاصله بگیرند و حتا به نکوهش شدید از یک‏دیگر نیز زبان‏ بگشایند.این جدایی و فاصله‏یی که ممکن است میان عقل و عشق‏ پیدا شود،به اختلاف و تفاوت در مراتب آن‏ها مربوط می‏گردد.یعنی‏ آن‏جا که عقل در یک مرحله و موضع خاص متوقف گشته و از سیر به مراتب بالاتر باز می‏ماند،مورد نکوهش عشق واقع می‏شود.چنان‏که‏ عشق نیز وقتی به امور پست و فرومایه تعلق پیدا کند و در آن‏جا وابسته و اسیر شود،از نکوهش‏های عقل برکنار نخواهد بود.»(دفتر عقل و آیت عشق،ج 3،ص 9)

این پارادوکس‏ها ازاین‏رو پیدا می‏شوند که ناظر با چشم عقل‏ یا با چشم عشق به موضوع نگریسته و اگر دیدی جامع از هر دو داشته باشد،آن‏وقت این متناقض‏نمایی‏ها از بین می‏روند و همه‏ی‏ شطحیات عارفان نیز به همین ترتیب قابل فهم است.شاهدبازی، جمال‏پرستی،سماع و مانند آن نیز در چارچوب مکتب زیبایی‏پرستی‏ در عرفان تفسیرپذیر است،چنان‏که واژه‏ی رند در دیوان حافظ نیز بر همین دیدگاه دلالت دارد.رند هم پارساست و به دنبال عشق‏ الهی‏ست و هم عشق زمینی را می‏جوید،زیرا عقیده دارد که المجاز قنطرة الحقیقه و می‏داند که بدون عبور از مرحله‏ی کودکی و نوجوانی و جوانی نمی‏توان به مرحله‏ی پیری رسید.بدون درک‏ زیبایی‏های زمینی به ادراک زیبایی‏های آسمانی نمی‏توان رسید که‏ ان اللّه جمیل و یحب الجمال.

برای دریافت معنای«رند پارسا»بهتر است به بزرگان مکتب‏ جمال مراجعه نمود که حافظ پیرو راه آن‏ها به شمار می‏آید.روزبهان‏ در عبهر العاشقین(ص 31)می‏گوید:

پیش آن کس که عشق رهبر اوست‏ کفر و دین هر دو پرده‏ی در اوست‏ هرچه در کاینات جزو کل‏اند همه در راه عشق طاق پل‏اند

این متناقض‏نمایی‏ها از آثار جمال‏پرستان به حافظ رسیده، چنان‏که اوحد الدین کرمانی در نفحات الانس(ص 590)می‏سراید:

جز نیستی تو نیست هستی به خدای‏ ای هشیاران خوش است مستی به خدای‏ گر زان که بتی به حق‏پرستی روزی‏ حقّا که رسی ز بت‏پرستی به خدای

در این دیدگاه رندی و عاشقی و زیبایی‏جویی،عین عبادت و پارسایی‏ست.به همین دلیل شعار آن‏ها این است:لا شیخ ابلغ من‏ العشق.به گفته‏ی عین القضات در تمهیدات(ص 97):«ای عزیز به‏ خدا رسیدن فرض است،و لا بد هرچه به واسطه‏ی آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان،عشق،بنده را به خدا رساند،پس‏ عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.ای عزیز مجنون‏صفتی باید، که از نام لیلی شنیدن جان توان باختن...دریغا عشق فرض راه است‏ همه‏کس را،دریغا اگر عشق خالق نداری،باری عشق مخلوق مهیّا کن تا قدر این کلمات تو را حاصل شود.»و باز می‏گوید(ص 140): «هرکه خدا را دوست دارد،لا بد که رسول او را که محمد(ص) است دوست دارد،و شیخ خود را دوست دارد و عمر خود را دوست‏ دارد،از بهر طاعت،و نان و آب دوست دارد،که سبب بقای او باشد، و زنان دوست دارد که بقای نسل منقطع نشود،و زر و سیم دوست‏ دارد که بدان متوسل تواند بود به تحصیل آب و نان.بلکه،سرما و گرما،برف و باران و آسمان و زمین را دوست دارد.عاشق‏سرای‏ معشوق دوست دارد و همه عالم سرای اوست.»

در عرفان و تصوف،نوعی متضاد دیالکتیکی بین دوگانه‏های‏ عارف وجود دارد:خوف و رجا،قبض و بسط،سکر و صحو،تفرقه و جمع،غیب و حضور،فنا و بقا،تشبیه و تنزیه،تضاد و تعارض بین‏ آن‏ها باعث تکامل عرفان و عارف می‏شود.

حافظ و دیگر انتشارات دایره المعارف‏ ایران‏شناسی را از مراکز فرهنگی‏ و کتاب‏فروشی‏های زیر بخواهید:

1-مرکز دایره المعارف ایران‏شناسی:خیابان انقلاب-اول‏ فلسطین-ساختمان مهر-شماره‏ی 2-طبقه‏ی سوم

2-انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی:عباس‏آباد- خیابان احمد قصیر(بخارست)-نبش کوچه‏ی سوم

3-کتاب مرجع:انتشارات بنیاد دایره المعارف اسلامی،میدان‏ فلسطین-اول فلسطین شمالی-شماره‏ی 130

4-انتشارات دانشگاه(نشر پشوتن):تقاطع فلسطین و انقلاب(ساختمان دانشگاه آزاد)

5-کتاب‏فروشی طهوری:خیابان انقلاب-روبروی دانشگاه‏ تهران

6-کتاب‏فروشی خوارزمی:خیابان انقلاب-روبروی دانشگاه‏ تهران

7-کتاب‏فروشی بیگوند:خیابان انقلاب-تقاطع وصال

8-کتاب‏فروشی شیوا:خیابان انقلاب-اول خیابان‏ فخر رازی

9-انتشارات بعثت:خیابان انقلاب-بعد از چهارراه فلسطین‏ -پلاک 1222

10-کتاب‏فروشی توس:خیابان انقلاب-اول ابو ریحان

11-کتاب‏فروشی پکا:خیابان فلسطین-نبش کوچه نایبی

12-انتشارات آریان:خیابان انقلاب-اول خیابان اردیبهشت

13-اسرار دانش:خیابان انقلاب-خیابان دوازده فروردین